

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الگوی تدوین برنامه درسی باریکرد فطرت‌گرایی توحیدی

(برای عملیاتی کردن سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی)

دکتر حسن ملکی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی و
رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

سرشناسه	ملکی حسن، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	الگوی تدوین برنامه درسی با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی (برای عملیاتی کردن سند تحویل بنیادین و برنامه درسی ملی) / حسن ملکی.
مشخصات نشر	تهران: مدرسه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۳۴ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۰۸-۲۱۱۵-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	برنامه‌های درسی
موضوع	Education -- Curricula
موضوع	آموزش و پرورش -- ایران -- هدف‌ها و نقش‌ها
موضوع	Education -- Aims and objectives -- Iran
شناسه افزوده	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. انتشارات مدرسه
بندی کنگره	LB۲۸۰۶/۱۵
رده‌بندی دیویی	۳۷۵/۰۰۱
شماره کتابشناسی ملی	۷۲۶۴۹۹۱



الگوی تدوین برنامه درسی با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی

(برای عملیاتی کردن سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی)

مؤلف: دکتر حسن ملکی
طراح گرافیک: علی ابوالحسنی
طراح جلد: کوروش پارساژاد
چاپ اول: ۱۳۹۹
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی از: خجسته
حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۸-۲۱۱۵-۲
ISBN 978-964-08-2115-2

نشانی: تهران، خیابان سیهید قرنی، نرسیده به پل کریمخان زند.
کوجه شهید محمود حقیقت‌طلب، شماره ۸
تلفن: ۸۸۸۰۰۳۲۴-۹ دورنویس (فاکس): ۸۸۹۰۳۸۰۹



باتشکر از انتخاب شما، خواهشمندیم نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را در مورد این کتاب یا دیگر آثار انتشارات مدرسه از طریق پیام کوتاه به شماره ۱۰۰۰۶۶۰۰۶۶۰۰ یا ما در میان بگذارید.

www.madresehpublishing.ir

جهت ارتباط با شبکه‌های اجتماعی ما رمزینه روبرو را اسکن نمایید

مقدمه / ۵

الگوی تدوین برنامه درسی مبتنی بر اسناد بالادستی / ۹

مراحل تدوین الگوی عملیاتی در عرصه برنامه‌ریزی درسی / ۱۰

مرحله اول: چگونگی منطق برنامه درسی / ۱۰

مرحله دوم: تعیین نیاز / ۱۱

مرحله سوم: تدوین هدف / ۱۶

مرحله چهارم: انتخاب محتوا / ۱۸

مرحله پنجم: پیشنهاد روش‌های تدریس / ۲۱

مرحله ششم: ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی / ۲۸

مرحله هفتم: تعیین محتوای آموزش معلمان / ۲۹

مرحله هشتم: تعیین نقش مترقی / ۳۱

سند تحول آم، پس، پرورش و برنامه درسی ملی، دو منشور بنیادین و ضروری هستند که طی چند سال مطالعه دقیق و بحث‌های کارشناسی زیاد توسط تعداد قابل توجهی از صاحب‌نظران و کارشناسان طراحی و تولید شد و نظام تعلیم و تربیت کشور را از جهت مبنایی نیاز ساخته است. البته از مطلق و بی‌عیب و نقصی کردن آن‌ها نیز باید شدیداً پرهیز کرد؛ زیرا که محتملاً هر مطلب انسان ساخته دارای اقصا و مزیجات و دیت‌هایی است که برخی از آن‌ها در طول زمان معلوم می‌شود. لکن تازمانی که اعتبار این سند باقی است باید مورد اعتنای جدی قرار گیرند و توسط برنامه‌ریزان و عاملان، به اجرا درآیند. طمأنینه سال که از تصویب این اسناد سپری می‌شود، چند مواجهه با این‌ها انجام گرفته است. گاهی عده‌ای اظهار می‌کردند که اصولاً ما چه نیازی به این نوع اسناد داریم. این‌ها مانع تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی هستند و نباید خیلی «سند» «سند» گفت. این گروه احتمالاً کسانی هستند که اصولاً با تبعیت از یک سند که نظام فلسفی و فکری مقبول در آن تدوین گردیده است، مشکل دارند و قیود بالاسری را بر نمی‌تابند.

گروه دوم نیز کسانی هستند که به‌طور صریح با اسناد تحولی مخالفت نمی‌کنند ولی به آن‌ها حساس هم نیستند. شاید اگر احساس کنند که توجه به این اسناد به افول و گریبیده، خوشحال نیز می‌شوند و گروه سوم افراد و کارشناسانی هستند که نگاه حداقلی و حاشیه‌ای به این اسناد دارند. یا تصور می‌کنند یا تعمّد در این دارند که به‌صورت تار مویی به سند وصل شوند و به همان اندازه نیز اثر پذیرند. در کتاب‌های درسی کنونی ما این نوع رویکرد را البته با شدت و ضعف ملاحظه می‌کنیم. گروه چهارم آن‌هایی هستند که جایگاه اسناد بالادستی را به درستی دریافته‌اند و همان نگاهی که در یک بنا به فونداسیون آن دارند، درست همان نگاه را به اسناد تحولی دارند. این گروه معتقدند که همه تصمیمات نظام تعلیم و تربیت در رده‌های

مختلف به بناهایی منتهی می‌شوند که باید به «مبنا»، مبتنی باشند. برنامه‌های درسی، نیروی انسانی، اقتصاد آموزش و پرورش، فعالیت‌های فرهنگی، فعالیت‌های آموزشی و سایر اموری که در مجموع آموزش و پرورش انجام می‌پذیرد، هر کدام یک «بنا» هستند؛ یعنی در یک زمینه‌ای و با یک طرح و نقشه‌ای ساخته شده‌اند. قاعدتاً هر یک از این‌ها بر پایه و اساسی متکی هستند. هر قدر آن پایه قوی‌تر و مطمئن‌تر باشد، پایایی و عمر بنا بیشتر خواهد بود. برعکس هر قدر سست باشد، بنا نیز سست بنیان و میرا خواهد بود. آیا این قاعده عقلانی بین مبنا و بنا را کسی و گروهی می‌تواند نفی کند؟ ممکن است در زبان و عبارات نفی شود؛ ولی هرگز در صحنه عمل نفی شدنی نیست.

ما در شرایط کنونی به عملی کردن رویه چهارم، احتیاج مبرم داریم. البته این نکته خیلی مهم نیز باید در خاطره‌ها باشد که تأکید به پیروی از اسناد بالادستی و استناد به محتوای آن‌ها نباید به سوی دگر بلوغزد، باید ارتباط با سند یک ارتباط معنادار، هوشیارانه و عالمانه باشد. عقل و حس به عنوان یک نیروی بی‌بدیل باید در همه لحظات همراه باشد و در هر تأملی و هر قدمی که برداشته می‌شود، از طریق عقل‌مداری، استواری و حکمت به خود بگیرد و میزان مقبولیت آن را بالاتر برد. عبارت دیگر بهره‌گیری از اسناد تحولی باید عاقلانه باشد و محاسبه دقیق‌تر در همه مراحل صورت گیرد.

تدوین الگوی عملیاتی تنها راه عملیاتی کردن سند تحول بنیادین

رابطه مبنا با بنا چگونه باید تحقق یابد؟ این پرسش بسیار جدی است که پاسخ به آن فوق‌العاده ضروری می‌باشد. ربط «مبنا» و «بنا» با الگو کار زیادی مناسب انجام می‌پذیرد. این الگو باید طوری صورت‌بندی شود که گام‌های مشخص و قابل ارزیابی را در برگیرد و پیشرفت در آن را بتوان مورد داوری قرار داد. الگوی عملیاتی در هر یک از بخش‌های وزارت آموزش و پرورش به تناسب هر یک از آن‌ها تدوین می‌شود. انتظار می‌رود هر یک از بخش‌های مهم وزارتخانه نسبت خود را با سند از طریق الگوی عملیاتی تعریف و اجرا کنند، نه از طریق استناد به فلان بند، ماده، تبصره و غیره.

برای تأسی ساختاری و ارگانیکی از سند باید الگوی «ربط عملیاتی» طراحی کرد. چه کسانی باید چنین الگویی را تدوین کنند؟ طبیعی است که یک تیم برنامه‌ریزی مشتمل بر اهل نظر و اصحاب عمل، باید این کار را انجام دهند. فرد یا افرادی که با برنامه‌ریزی انس و الفت کافی دارند، باید در این تیم حضور داشته باشند. علت اینکه تاکنون این سند به بار ننشسته است، نداشتن نقشه اجرا و یا همان الگوی عملیاتی است. اینجانب ضرورت این مهم را بارها

طرح نموده‌ام؛ ولی متأسفانه خریدار پیدا نشد یا خریدار جدی از سوی مسئولان نیافتیم، در نتیجه تعقیب نکردم. اکنون وزیر محترم آموزش و پرورش در تحقق خواسته حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب در عرصه عمل و اجرا درخواست کمک کرده است. ایستادن و بی‌اعتنا ماندن خطای بزرگی است که خداوند آن را نخواهد بخشید. لذا اینجانب که از دانشگاه به عشق کمک عملیاتی‌شدن اسناد تحولی و اعتلای برنامه درسی به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بازگشته‌ام، تدوین الگوی تدوین برنامه درسی را بر خود فرض می‌دانم.

حسن ملکی

www.ketab.ir